ضمیمه نوجوان روزنامه قدس شماره ۴۱۴ | ۴صفحه
www.qudsonline.ir
یکشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۶ | ۷ شوال ۱۴۳۸ | ۲ جولای ۲۰۱۷

بعضی‌ها برای مشهور شدن با جانشان بازی می‌کنند

دارودسته گینسی‌ها...!

حالا مگه گینس چی هست؟

چطور به گینس برویم؟

۲

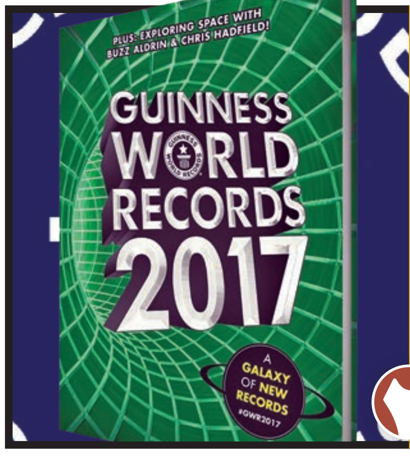

نامه‌ات همین الان رسید

شعرم را بخوان، نظرت را بگو

۴

هی رفیق، خسته نشی!

سیدمحمدسادات‌اخوی

۴

نوجوانی که به خاطر داستانش برگزیده جشنواره خوارزمی شد

فازم نوشتن است همین!

در همین صفحه بخوانید

رئیس بازی

۲و۳

DREAMWORKS

پویانمایی که این روزها حسابی می‌فروشد

اولین فیلم سینمایی مهران مدیری، قبل از اکران، حاشیه‌ها را با خود آورده است

مدیری یا الوند؟

نوجوانی که به خاطر داستانش برگزیده جشنواره خوارزمی شد

فازم نوشتن است همین!

ملیحه محمودخواه | آن‌ها که دستی در شعر و شاعری دارند می‌دانند که شعر گفتن چه عالمی دارد و نوشتن تا چه اندازه می‌تواند در رشد شخصیتی افراد مؤثر باشد. این را «عرفان پاپری دیانت» می‌گوید چون سال‌هاست که می‌نویسد و می‌خواند و آن‌قدر در این راه تبحر پیدا کرد که نوشته‌هایش توانست رتبه سوم جشنواره خوارزمی را برای او به ارمغان بیاورد. عرفان در خرداد ۱۳۷۷ به دنیا آمده است و در مدرسه نمونه دولتی توحید شیراز درس‌خوانده است و داستان‌های سلوک را آن‌قدر متبحرانه نوشته است که موردتوجه داوران قرارگرفته است. او در حال حاضر دانشجوی رشته ادبیات دانشگاه تهران است و البته بدون کنکور و با مدال المپیادش توانسته است به دانشگاه راه پیدا کند. گفت گوی ما را با او بخوانید.

داستان سلوک شما چه خصوصیاتی داشت که توانست در جشنواره خوارزمی حائز رتبه شود؟

در واقع یک فیلمنامه است که برای فیلم بلند نوشته‌شده است و چهار قسمت دارد. بخش اول: آن‌ها، بخش دوم: من، بخش سوم: او، و بخش چهارم هم روایت‌های سفر درونی یک‌نفره در این چهار قسمت است. چهار ساحت دنیا.

این چهار بخش یا همین چهار ساحت از زندگی را یک نردبان به هم مربوط می‌کند. بخش اول اجتماعی است و بعد از اجتماع جدا می‌شود و وارد ذهن خودش می‌شود و در قسمت سوم روایت مسئله عشق و مرگ است و بخش آخر قسمت پایانی فیلمنامه است و مسئله سفر است و حرکت. حرکت دایره‌ای و خطی.

نمی‌خواهی بر اساس این فیلمنامه‌ات، فیلمی بسازی؟

در حال حاضر نه دانش این کار را دارم و نه پولش را اما قرار است از روی چند فیلمنامه قبلی‌ام فیلم‌هایی ساخته شوند.

تابه‌حال فیلمی هم از آثارت ساخته‌شده است؟

یک پویانمایی از روی فیلمنامه چشم‌ها ساخته‌شده است و یک کار دیگر هم قرار است در تهران انجام بدهیم که متن آن را تهیه‌کرده‌ام و فعلا در مرحله پیش‌تولید است.

چه شد که به ادبیات علاقه‌مند شدی؟

یادم نمی‌آید اما این را به خاطر دارم که مادرم از کودکی برایم کتاب می‌خواند و همیشه از شنیدن داستان‌های مختلف لذت می‌بردم.

یعنی مادر تان عامل علاقه شما به ادبیات بوده است؟

ایشان در مسیر این علاقه‌مند شدن تأثیر بسیاری داشته‌اند.

چطور بدون کنکور وارد دانشگاه شدی؟

من در المپیادها و مسابقات مختلف ادبی که برگزار می‌شد شرکت می‌کردم و در المپیاد ادبی کشور توانستم رتبه اول را به دست بیاورم و مدال طلا بگیرم. همین مدال طلا امتیازی برای ما به‌حساب می‌آید که بدون کنکور وارد دانشگاه شویم و من هم از این امکان استفاده کردم.

خوارزمی

این‌طور که معلوم است حسابی اهل کتاب خواندن هستی. تابه‌حال چند کتاب‌خوانده‌ای؟

فهرست همه کتاب‌هایی که خوانده‌ام و فیلم‌هایی که دیده‌ام را دارم اما آمارشان را ندارم.

بیشترین ساعتی که صرف خواندن کتاب کرده‌ای چقدر بوده است؟

کتاب جزو جدایی‌ناپذیر زندگی من است و بدون آن نمی‌توانم زندگی کنم. شده روزهایی که از صبح تا شب کتاب‌خوانده‌ام و هیچ کار دیگری انجام نداده‌ام.

بیشتر به چه کتاب‌هایی علاقه داری؟

بیشتر به کتاب‌های ادبیات و علوم انسانی علاقه دارم و فیلمنامه هم زیاد می‌خوانم.

پس فیلم هم زیاد می‌بینی؟

بیشتر اوقات فراغتم صرف فیلم دیدن می‌شود. البته فیلم را به‌عنوان اوقات فراغت نمی‌بینم و بیشتر سعی می‌کنم از هر فیلمی فن‌هایش را بیاموزم.

«

فهرست بهترین کتاب‌هایی را که خوانده‌ای چیست؟

پرسش سختی است. بهترین کتابی که خوانده‌ام دیوان حافظ بوده است اما دیوان مولانا، صائب و آثار بیژن جلالی، کریستین بوبن و سهراب را دوست دارم.

علاقه به ادبیات یا دانش نویسندگی کدام مهم‌تر است؟

هیچ‌کدام بدون دیگری امکان ندارد و اگر خیلی به ادبیات علاقه داشته باشید بدون آنکه علمش را به دست بیاورید نمی‌توانید اثری ماندگار به‌جا بگذارید. عکس این هم درست است و اگر کاملاً به ادبیات اشراف کامل داشته باشید و استعداد ذاتی نداشته باشید حتی یک جمله هم نمی‌توانید بنویسید.

چند خواهر و برادر داری و آیا آن‌ها هم به ادبیات علاقه‌مند هستند؟

یک برادر کوچک‌تر از خودم دارم که اتفاقاً او کاملاً علاقه‌اش با من متفاوت است.

در چه جشنواره‌ها و مسابقات دیگر شرکت کرده‌ای؟

المپیاد ادبی، جشنواره خوارزمی، جشنواره واژه چکان و جشنواره حیرت.

چقدر وقتت را در فضای مجازی سپری می‌کنی؟

شاید فکر کنید شعار می‌دهم اما واقعاً می‌گویم افرادی که با کتاب سروکار دارند آن‌قدر وقتشان پر است که دیگر نیازی به اینترنت و فضای مجازی پیدا نمی‌کنند. هرچند متأسفانه این روزها همه سروکارشان چه بخواهند و چه نخواهند به فضای مجازی می‌افتد اما بااین‌وجود آسیب این فضا بیشتر از سودش است و سعی می‌کنم تا آنجا که به من آسیبی نزند از این فضا استفاده کنم.

این‌که می‌گویی همه سروکارشان به اینترنت می‌افتد را بیشتر توضیح می‌دهی؟

تصور کنید حتی وقتی می‌خواهید کار تحقیقی و پژوهشی انجام دهید و فهرست کتاب‌های مربوط به آن را استخراج‌کنید، مجبور خواهید شد به اینترنت رجوع کنید.

سبک زندگی

چند ساعت درس می‌خوانی ؟
اصولاً حساب نمی‌کنم؛ هرچقدر نیاز باشد تا درسم را یاد بگیرم.

چند ساعت می‌خوابی؟
۷ ساعت

چند ساعت کتاب می‌خوانی؟
۲ تا ۳ ساعت

تفریحت چیست؟
فیلم دیدن، گردش و گوش دادن موسیقی...

زمان در فضای مجازی؟
حساب نمی‌کنم هرچقدر نیاز باشد.

مهم‌ترین هدفت؟
نوشتن

پویانمایی که این روزها حسابی می‌فروشد

این بچه خیل... رئیس است.

استودیوی انیمیشن‌سازی دریم ورکس هیچ‌وقت استودیوی درجه‌یکی در حوزه خودش نبوده است. آن‌ها درزمینه تداوم آثار قوی نه در حد و اندازه استودیو پیکسار بوده‌اند و نه مثل استودیوی لایکا که به پویانمایی‌های ایست-حرکتی (سبک خاصی در ساخت پویانمایی) منحصربه‌فردش مشهور است، اسم‌ورسم هنری خاصی دارند. در عوض دریم ورکس همیشه استودیویی پر از فرازوفرود و موفقیت‌های هنری غول‌پیکر و شکست‌های خجالت‌آور بوده است. اما نکته این بود که نمی‌توانستیم کاملاً از دریم ورکسی‌ها دل بکنیم. چون همیشه امکان داشت پروژه بعدی آن به یکی دیگر از پویانمایی‌های پرسروصدای سال تبدیل شود. بالاخره داریم درباره استودیویی حرف می‌زنیم که کارتونی دیدنی مثل «شرک» را در کارنامه دارد، پویانمایی‌های دیوانه‌وار و عجیبی مثل «ماداگاسکار»ها و «آن‌سوی پرچین» را ساخته است و اکشن‌های نفس‌گیری در قالب «پاندای کونگ‌فو کار» و «چگونه اژدهایتان را تربیت کنید» تحویلمان داده است. دریم ورکس استودیویی است که لوگوی ابتدایی‌اش (پسری نشسته بر لبه‌ی ماه و در حال ماهیگیری) خاطرات زیادی را برایمان زنده می‌کند. این موفقیت‌های بزرگ باعث شده بود تا همیشه منتظر فیلم‌هایی از آن‌ها باشیم که دوباره شگفت‌زده‌مان کنند. از همان پویانمایی‌های عمیقی که علاوه بر بچه‌های زیر هفت سال، به مذاق بزرگ‌ترها هم خوش می‌آیند. پویانمایی‌هایی که فقط برای رسیدن به مقدار معینی فروش ساخته نمی‌شوند و هدف بزرگ‌تری دارند.

در خلاصه داستان بچه رئیس آمده است که؛ «تیم تمپلتون» کودکی ۷ ساله است همیشه در دنیای پر از تخیل خود سیر می‌کند. او تنها فرزند تد و جانیس است و همیشه مورد لطف، محبت و توجه والدینش قرار دارد. او تمایل زیادی دارد تا خود و خانواده‌اش تا ابد همواره همین سه نفر باقی بمانند و به خاطر همین موضوع نیز وقتی یک برادر کوچک‌تر به جمع آن‌ها اضافه می‌شود، زندگی برای تیم به‌کلی تغییر می‌کند و او خیلی زود به برادر کوچک‌ترش حسادت می‌کند، برادر کوچک‌تری که سعی می‌کند تا تمام خانه را در کنترل خود داشته باشد. خب راستش را بخواهید، این خلاصه داستان برای ساخت یک پویانمایی جذاب، قابل‌قبول است ولی خب مشکل اصلی داستان از جایی شروع می‌شود که بچه رئیس همان حرف‌هایی را می‌زند که قبل‌تر در پویانمایی‌های دیگر دیده‌ایم، البته از حق نگذریم در بچه رئیس بارنگ و لعاب تصویری بهترین به نمایش درآمده‌است.

«بچه رئیس» از همان سکانس اول فاش می‌کند که در دنیای این سریال نوزادان از کجا می‌آیند. ظاهراً شرکت بزرگی در میان ابرها به اسم شرکتِ نوزادان وجود دارد؛ جایی که نوزادان را تولید می‌کنند و پس از پوشک کردن و غذا دادن و زدن پودر بچه بهشان، آن‌ها را سمت خانواده‌هایشان می‌فرستند.

اما تعداد اندکی از بچه‌های تازه متولدشده با بچه‌های دیگر متفاوت هستند. آن‌ها نسبت به اطرافشان خودآگاه‌تر هستند و از مهارت‌های مدیریتی بهره می‌برند. درنتیجه سیستم کنترل کیفیت شرکت آن‌ها را از خط تولید جدا می‌کند و به‌عنوان نیروی انسانی جدید به بخش مدیریت شرکت تزریق می‌کند. این بچه رئیس‌ها پشت میز می‌نشینند و شیر خشک‌های مخصوصشان را می‌خورند که جلوی پیر شدنشان را می‌گیرد. اگر دقت کنید، در پویانمایی‌های دیگر مثل لک‌لک‌ها که سال گذشته به نمایش درآمد هم کارخانه‌ای برای نوزادان در نظر... گرفته شد بود. بچه رئیس کمترین خلاقیت را درزمینه ارائه یک داستان دسته اول دار... یادتان نرود که تکراری بودن داستان برای بزرگ‌ترها شاید ناراحت‌کننده باشد ولی خب حت... دیدنش لذت می‌برید. آن‌ها دلشان فقط شلوغی و تصاویر پررنگ و لعاب می‌خواهد.

با تمام انتقادهایی که به بچه رئیس داریم ولی بازهم باید این پویانمایی را یکی از موفق... بدانیم. چون با ۱۲۵ میلیون دلار بودجه ساخته‌شده و توانسته ۴۸۷ میلیون دلار در دنیا بفرو... از همین حالا به طرفداران خود، قول ساخت قسمت دوم این پویانمایی را داده‌اند. چرا؟ چو... به‌خوبی برسانند. حرف اصلی کارگردان و سازنده بچه رئیس، ایجاد اشتیاق در بچه‌ها و مردم ب... است تا بتوانند از بحران جمعیتی که به دلیل کوچک شدن خانواده‌ها به وجود می‌آید، جلو... پویانمایی لک‌لک‌ها که با همین موضوع توانست سال ۲۰۱۶ موفقیت چشمگیری کسب ک... داستان است، بارها در طول پویانمایی اشاره می‌کند که مردم دنیا بیش‌ازاندازه به حیوانات ... مردم، عشق و محبت خود را فقط به بچه‌های خود هدیه بدهند. البته شاید اگر داستان ای... به فرزند آوری ترغیب کند، بازهم توانسته است به هدف خود در رساندن پیام برسد. بچ... شباهت شخصیت اصلی داستان با ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا به وجود آمد، توانسته است... دنیا تا به اینجا مطرح کند. نکته دیگر اینکه همان‌طور که گفتیم، خط اصلی داستان، شب... جناب کارگردان پای یک کارخانه بچه سازی را وسط کشیده است. از نگاه کارگردان، مادر... تعجب نکنید اگر رابطه فرزندان و والدین در این پویانمایی‌ها هیچ شباهتی به روابط خانواد...

طرحی که امسال موفق نبود

ماه رمضان در سال‌های اخیر با اجرای طرح افطار تا سحر توانسته بود به دوره ویژه‌ا... فیلم‌های سینمایی تبدیل شود اما به نظر می‌رسد امسال به دلایل مختلفی فروش فیل... بوده است. «محمد قاصد اشرفی» رئیس هیئت‌مدیره انجمن سینما داران هم‌زمانی با تب‌وتاب... تروریستی تهران را از دلایل این اتفاق دانسته اما به گفته او ناتوانی فیلم‌ها در جذب مخاطب و ... درست نیز از دیگر دلایل فروش رمضان امسال است. در حال حاضر در کنار فیلم‌های کمدی «... «اکسیدان»، فیلم‌هایی با مضامین اجتماعی چون «رگ خواب»، «زیر سقف دودی»، «مالیخولیا» و ... روی پرده هستند و به‌تازگی فیلم «ویلایی‌ها» نیز سرگروهی خود در سینماها را ازدست‌داده... باشیم و ببینیم که با اتمام ماه رمضان، آیا فیلم‌ها می‌توانند تغییری در روند فروش خود ...

سانسور «زیر پای مادر»

آخرین قسمت سریال رمضانی زیر پای مادر به کارگردانی بهرنگ توفیقی ب... دلیلش تغییر پایان‌بندی سریال بود روز یکشنبه ۴ تیرماه در حالی روی آنتن رفت... آن توسط مسئولان و ناظرین پخش سیما حذف و سانسور شده بود تا جایی که «پریوش... این مجموعه نیز اعتراض خود را نسبت به این موضوع اعلام کرد. او با انتشار پستی در صف... نسبت به این موضوع و سانسور و حذف سکانس فینال مجموعه اعتراض خود را اعلام کرد و ... سریال تغییر کرد...، سکانس اصلی سانسور شد، فینال حذف شد، طفلک رخساره طفلک... طفلک کارگردان !» در سکانس پایانی این سریال نیز خبری از رخساره با بازی پریو... سرنوشت او مبهم ماند.

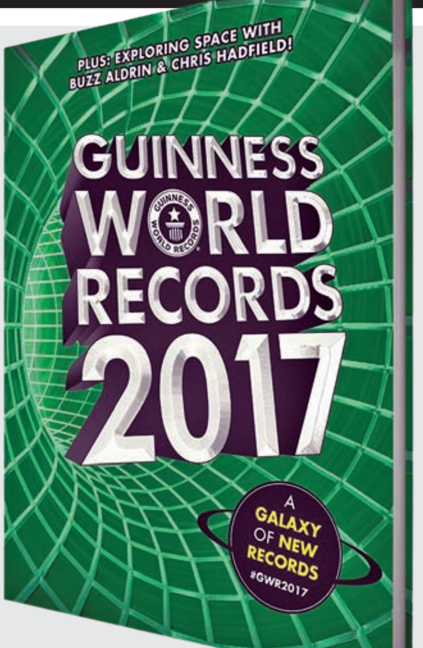

بعضی‌ها برای مشهور شدن با جانشان بازی می‌کنند

دارودسته گینسی‌ها...!

چندروز پیش در تفلیس، پایتخت گرجستان یک مرد ۳۷ساله برای این‌که نامش برود توی کتاب گینس، دست به کار خطرناکی زد و دستی‌دستی با جانش بازی کرد. «نوریک یاجیان» برای ثبت‌نام خود در کتاب گینس و به‌دست آوردن جایزه نقدی آن، زیر ماشین خوابید و دست، کمر و پاهای خود را زیر چرخ‌های ماشین قرار داد. البته او اولین‌نفر از دارودسته دور از جان شما کم‌عقل‌ها نیست، چون خیلی‌ها پیش از او نیز برای گینسی شدن جانشان را به خطر انداخته‌اند.

حالا مگه گینس چی هست؟

گینس، کتاب ثبت رکوردها و ترین‌های جهان است که ایده تهیه آن را «سر هاگ بیور» رئیس کارخانه ایرلندی «گینس» داده و اولین جلد آن توسط روس و نوریس مک رایتر در سال ۱۹۵۵ نوشته شده که در آن رکوردهای انسانی و طبیعی منتشر شده است.

کتاب رکوردهای جهانی گینس هرسال با اطلاعات جدید تجدیدچاپ می‌شود و خود این کتاب، رکوردار پرفروش‌ترین کتاب جهان است. هرسال کتاب رکوردهای گینس، عجیب و غریب‌ترین رکوردهایی که در زمینه‌های مختلف به‌دست می‌آیند را ثبت می‌کند. خیلی‌ها برای ثبت‌نام رکوردشان در کتاب گینس، خود را به آب و آتش می‌زنند، اما بعضی دیگر نیز به‌طور طبیعی و مادرزاد رکوردهایی دارند که نام‌شان در این کتاب ثبت می‌شود. شاید ندانید که گینس پرخواننده‌ترین کتاب دنیا پس از کتاب‌های مقدس آسمانی است و در کتابخانه‌ها بیشترین مراجعه‌کننده را دارد.

چطور به گینس برویم؟

برای این‌که یک عمل در کتاب گینس به‌عنوان یک رکورد جدید پذیرفته و ثبت شود، ابتدا باید به مرکز انستیتو گینس در انگلیس مراجعه شود. در آنجا مدتی در بایگانی حفظ می‌شود و پس از انجام بررسی‌های لازم و درصورت داشتن تمامی شرایط و ویژگی‌های موردنظر این مؤسسه، همراه با نام صاحب رکورد به ثبت می‌رسد. سالانه حدود ۶۰۰ هزارنفر خود را به مؤسسه گینس معرفی می‌کنند که رکورد تعداد کمی از آن‌ها پذیرفته شده و به آن‌ها پاداش داده می‌شود. حالا که حرف جایزه و پاداش شد، این را هم بگوییم که برخلاف تصور خیلی‌ها که فکر می‌کنند اگر کسی نامش در میان رکورداران گینس باشد، به او پول یا حقوق ماهانه می‌دهند، شما برای ثبت‌نام‌تان در این کتاب باید پول هم از جیب خرج کنید. قانونش هم این‌جوری است که اول باید یک پولی حدود چندهزار پوند برای رکوردگیری به حساب گینس در لندن واریز کنید و بعد براساس نوع رکوردتان از یک تا پنج کارشناس به شهری که می‌خواهید در آن رکورد بزنید می‌آیند و باید هزینه بلیت رفت‌وبرگشت درجه‌یک و خرج سفر و اقامتشان را هم بپردازید. ولی این را بدانید که اگر رکورد شما ثبت شود، به‌سرعت در همه دنیا شناخته می‌شوید و به جشن‌ها و مراسم‌های مختلف دعوت می‌شوید. حتی در زمان رکوردگیری، برخی افراد اسپانسر می‌گیرند و علاوه‌بر تمامی هزینه‌هایی که این اسپانسر به بنیاد گینس می‌دهد، درصورت موفقیت ثبت رکورد، پول خوبی هم درمی‌آورند.

رکوردهای عجیب‌وغریب در گینس

مردی که موهای گوشش را برای سال‌ها کوتاه نکرد، یا کسی‌که تلاش کرد بیشترین تعداد نی پلاستیکی را در دهانش جای دهد، یا زنی که ناخن‌هایش را به اندازه‌ای بلند نگه داشت که زندگی برایش سخت شد، در میان رکورداران گینس، موارد معمولی به حساب می‌آیند. افرادی هم هستند که چندان کار خاصی نمی‌کنند؛ مثل مرد جوان ۲۰ساله اهل آنگولا که توانست در مسابقه پهن‌ترین دهان جهان در رم، با گذاشتن یک قوطی کوکاکولا در دهان خود با ۱۷سانتی‌متر پهنا، رکورد پهن‌ترین دهان جهان را بشکند، یا «شانل تیپر» دختر دانش‌آموز اهل کالیفرنیای آمریکا که با زبانی به‌طول ۷۵/۹ سانتی‌متر به‌عنوان دارنده درازترین زبان در جهان شناخته شد.

این‌ها درمقابل افرادی با رکورد طولانی‌ترین فاصله‌ای که بدن آتش گرفته توسط اسب کشیده شده! یا رکورد بیشترین سوختگی بدن و زنده ماندن، یا بیشترین زمان بدون غذا بودن، تقریباً الکی‌الکی وارد این کتاب شده‌اند. البته بعضی‌ها هم هستند که به‌شیوه غمگینی مثل بالاترین تعداد حمله قلبی یا بیشترین زمان کما نامشان در گینس ثبت شده است.

ایرانی‌ها هم به گینس رفته‌اند؟

ایرانی‌ها هم از چندسال قبل نامشان وارد کتاب گینس شده است. شاید ندانید که «علی دایی» اولین‌نفری بود که با ۱۰۹گل زده ملی، رکوردار شد و نامش در این کتاب ثبت گردید. بعد از دایی، حسین رضازاده به‌عنوان کسی‌که سنگین‌ترین وزنه جهان را جابه‌جا کرده، نامش وارد کتاب گینس شد و پس از این دونفر، «انوشه انصاری» هم با رفتن به فضا، به‌عنوان نخستین زنی که در یک سفر توریستی به فضا رفت، نامش در میان رکورداران ثبت گردید. این سه‌نفر در رده رکوردارانی هستند که به‌صورت افتخاری وارد کتاب شده‌اند و در سال‌های آینده نام‌شان از کتاب حذف می‌شود، اما دو ایرانی دیگر هم هستند که تا زمانی‌که کسی رکوردشان را نزند، در گینس می‌مانند. اولین نفر «مهدی حب‌درویش» فوتبالیست جوان ایرانی است که با شکستن رکورد روپایی سرعتی با توپ، نام خود را در کتاب رکوردهای جهانی ثبت کرد و نفر دوم هم «محمدحسین کبادی» شناگر هرمزگانی است که در مدت ۸۵ روز و شناکردن مسیر یک‌هزار و ۱۰۰کیلومتری توانست این رکورد جالب را بزند.

\# چقدر سخت

باشگاه خبرنگاران جوان

همزاد لی‌لی‌پوت‌ها در هندوستان

حالا که حرف از رکوردهای عجیب‌وغریب شد، خوب است بدانید که به‌تازگی تصاویری از یک مرد هندی منتشر شده که کاربران فضای مجازی او را همزاد لی‌لی‌پوت‌ها، یعنی همان آدم‌های کوچولو در انیمیشن دهه شصت می‌دانند. «باسوری لال» که تنها ۷۹سانت قد دارد و به همین خاطر زندگی سختی را پشت‌سر گذاشته، ظاهراً تا پنج‌سالگی همه‌چیز در زندگی‌اش عادی بوده، اما از پنج‌سالگی به‌بعد ناگهان به دلایل نامعلومی رشد او متوقف شده است.

\# صد رحمت به ما

فارس

چینی‌ها خوره گوشی شده‌اند

اگر جزو خوره‌های موبایل هستید، خدمتتان عرض کنیم که مراقب باشید آلمانی‌ها مچتان را نگیرند، چون آن‌ها به‌تازگی طبق یک نظرسنجی از یک شرکت اینترنتی اعلام کرده‌اند که مردم کشور چین به‌طور متوسط ۳ ساعت از وقت مفید خود را صرف استفاده از گوشی‌های هوشمند می‌کنند. البته چینی‌ها رتبه دوم جهانی را دارند و رتبه اول جهانی استفاده از گوشی‌های هوشمند، مربوط به کشور برزیل است که روزانه ۵ ساعت از وقت مفیدشان را صرف گوشی می‌کنند.

\# مراقب سلامتیت باش

فارس

سکته مغزی در تعقیب نوجوانان چاق

تازه‌ترین تحقیقات نشان داده است نوجوانانی که دچار اضافه‌وزن هستند، ۸۰ درصد بیش از دیگران در معرض ابتلا به سکته مغزی قرار دارند. البته کودکان چاق زیر ۸سال خیالشان راحت باشد، چون آن‌ها در معرض سکته مغزی نیستند، منتهی اگر در سال‌های بعد و پس از بلوغشان به فکر خودشان نباشند، خدای نکرده ممکن است در بزرگسالی اتفاق‌های خوبی برایشان نیفتد.

استودیوی انیمیشن‌سازی دریم ورکس هیچ‌وقت استودیوی درجه یکی در حوزه‌ی خودش نبوده است. آنها در زمینه‌ی تدوام آثار قوی نه در حد و اندازه‌ی استودیو پیکسار بوده‌اند و نه مثل استودیوی لایکا که به انیمیشن‌های ایست-حرکتی (سبک خاصی در ساخت انیمیشن) منحصربه‌فردش مشهور است، اسم و رسم هنری خاصی دارند

جنجال هفته:

فیلم‌سینمایی «مهران مدیری» با حاشیه آمد

نویسنده را پیدا کنید!

«ساعت ۵ عصر» اولین فیلم مهران مدیری در مقام کارگردان قرار است بعد از «نهنگ عنبر ۲» اکران شود و تبلیغات آن مدتی است که شروع شده، اما نکته جالب اینجاست که در هیچ‌کدام از پوستر و بیلبوردهایی که در سطح شهر یا فضای مجازی منتشر شده نامی از «خشایار الوند» نویسنده این فیلم وجود ندارد و نام مهران مدیری به‌عنوان نویسنده آورده شده است. الوند در گفت‌وگویی نسبت به این موضوع اعتراض کرده و گفته است در ۲۰ سال اخیر یک‌بار هم ندیده که مدیری متنی بنویسد.

نام مهران مدیری و خشایار الوند در پروژه‌های مختلف تلویزیونی در کنار هم دیده شده است و مدیری در برنامه «هفت» نیز اعلام کرده بود اولین فیلم سینمایی‌اش را بر اساس طرحی از خودش و فیلم‌نامه‌ای از الوند می‌سازد.

حالا با شروع تبلیغات این فیلم نام این نویسنده از میان عوامل فیلم حذف شده که باعث دلخوری او شده است، اما عجیب‌تر اینجاست که نام خود مدیری به‌عنوان نویسنده ذکرشده است!

خشایار الوند درباره این اتفاق می‌گوید: «وقتی قرارداد واگذاری فیلم‌نامه‌ای را می‌بندیم تمام حقوق مربوطه را واگذار می‌کنیم اما نه اینکه نام‌مان هم تغییر کند. اینکه نامم در پوستر نیست برای خودم هم عجیب است؛ مهران مدیری اگر می‌خواست نام خودش را به‌عنوان نویسنده بزند چرا در «هفت» نام مرا اعلام کرد و بعدتر در «دورهمی» هم از من گفت.»

الوند در ادامه به قراردادی که برای این فیلم‌نامه بسته اشاره می‌کند و می‌گوید: «فیلم‌نامه «ساعت ۵ عصر» برای من است و بابت آن قرارداد بسته‌ام و ۱۲۰ میلیون هم دستمزدم بوده است و حالا اینکه می‌بینم نامم در پوستر نیست عجیب است.»

این نویسنده با اشاره به سابقه همکاری‌های مختلفش با مدیری می‌گوید: «من نزدیک ۲۰ سال است با مدیری همکاری دارم و یک‌بار هم ندیده‌ام مدیری متنی بنویسد. البته در سال‌های اخیر بارها این را دیده‌ایم که خیلی‌ها دوست دارند با ایجاد تغییراتی ولو جزئی در فیلم‌نامه در حد تغییر نام کاراکتر و تغییر یکی دو دیالوگ نام خود را به‌عنوان سناریست جا بزنند ولی اینکه نام نویسنده حذف شود پرسش‌برانگیز است.»

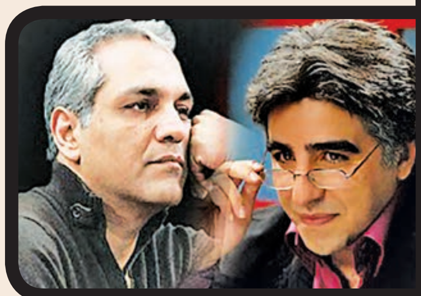

به گفته او حتی در این مدت اختلافی هم میان او و مدیری پیش نیامده است که باعث چنین اتفاقی شده باشد: «ابداً اختلاف‌سلیقه‌ای نبود و من بعدازاینکه فیلم‌نامه کامل را به ایشان دادم درگیر «دیواربه‌دیوار» شدم و دیگر ازایشان خبری نداشتم؛ البته یکی دو بار همدیگر را دیدیم و همه‌چیز صمیمانه پیش رفت. البته جای تعجب بود که تقریباً از اوایل تولید در فهرست عوامل اسم نویسنده را نزدند و حتی وقتی در اطلاع‌رسانی‌های رسمی عکس همه عوامل می‌آمد عکسی از من نبود.»

حالا باید منتظر باشیم و ببینیم که مدیری چه واکنشی نسبت به ادعا الوند خواهد داشت. البته این را از ما نشنیده بگیرید ولی هیچ بعید نیست که تمام این جنجال‌ها و تیتر یک رسانه‌ها شدن، یک بازی تبلیغاتی برای بیشتر دیده شدن ساعت ۵ عصر باشد. فیلم جدید مدیری که در آستانه اکران قرار دارد، امید زیادی برای شکستن رکورد فروش سینمای ایران دارد.

علیرضا گرانپایه | می‌خواهیم این بار به سراغ پویانمایی(انیمیشن) The Boss Baby یا همان بچه رئیس برویم. پویانمایی که در روزگاری که خبری از ساخت پویانمایی‌های پر سروصدا و به‌یادماندنی نیست، توانست با فروش بالای خود در رأس اخبار قرار گیرد. داستان پویانمایی بر اساس کتابی به همین نام نوشته «مارلا فارزی» است، البته سازنده این پویانمایی در تغییر جزئیات داستان دستش باز بوده و به همین دلیل، فرق زیادی بین داستان اصلی پویانمایی و رمان فارزی وجود دارد. خط اصلی داستان، شباهت زیادی به پویانمایی لک‌لک‌ها دارد. در ادامه سعی کردیم، علاوه بر اینکه اطلاعاتی در مورد این فیلم بدهیم، خیلی هم داستان اصلی را لو ندهیم تا اگر احیاناً علاقه به تماشا پویانمایی داشتید، بتوانید بعد از خواندن این مطلب به سراغش بروید.

THE BOSS BABY
DREAMWORKS

... پویانمایی پر سروصدا

جذاب ولی تکراری

... ولی خب
... ما شما از

آدم‌هایی که از هم دور شده‌اند

... ترین پویانمایی‌های سال
... شد. به همین دلیل است که
... ن آن‌ها توانسته‌اند، پیام خود را
... رای داشتن یک خانواده پرجمعیت
... گیری کنند. بچه رئیس را باید در ادامه
... کند، ببینیم. بچه رئیس که شخصیت اصلی
... وابسته شده‌اند و باید کاری کنیم که دوباره
... ن فیلم، بتواند ۱۰درصد مخاطبان خود را هم
... ه رئیس با تمام انتقادها و حواشی که به دلیل
... ، خودش را به‌عنوان مهم‌ترین پویانمایی سال
... اهت زیادی به پویانمایی لک‌لک‌ها دارد، اینجا هم
... و پدر تنها یک نقش نمایشی در خانواده دارند. پس
... گی خودمان ندارد.

قسم به ۲۹ فیلم قبلی‌ام...!

۱

«قاتل اهلی» آخرین فیلم مسعود کیمیایی است که در زمان تولید به خاطر اختلافی که میان او و تهیه‌کننده فیلم پیش آمد، با مشکلاتی روبرو شد. اوج این اختلافات در رونمایی فیلم در جشنواره فجر بود و بعد از آن‌هم حرف‌وحدیث‌ها چند صباحی ادامه یافت. بااین‌حال به نظر می‌رسد مسعود کیمیایی بالاخره با منصور لشکری قوچانی به نتیجه رسیده و فیلم قرار است با تدوین مجدد بعد از عید فطر روی پرده رود. کیمیایی در آستانه اکران آخرین فیلمش در یادداشتی که در روزنامه شرق منتشر شد، می‌نویسد: «فیلم ساختن برای مهرجویی، تقوایی، فرمان آرا و... همین‌طور سخت‌تر، پرعذاب‌تر و پرخاطره‌تر می‌شود. عباس کیارستمی که رفت و آسمان ما را بی‌ستاره کرد. آخرین فیلمی که ساخته‌ام در ۷۵ سالگی و سی‌اُمین آن است. باور کنید به آن ۲۹ فیلم قسم که هیچ‌کدام عذاب‌آورتر از این «قاتل اهلی» نبود.»

۲

... ی در سال برای اکران
... م‌ها کمتر از انتظار
... انتخابات و حمله
... بود اطلاع‌رسانی
... نهنگ عنبر ۲» و
... «مادر قلب اتمی»
... است. باید منتظر
... ایجاد کنند یا خیر؟

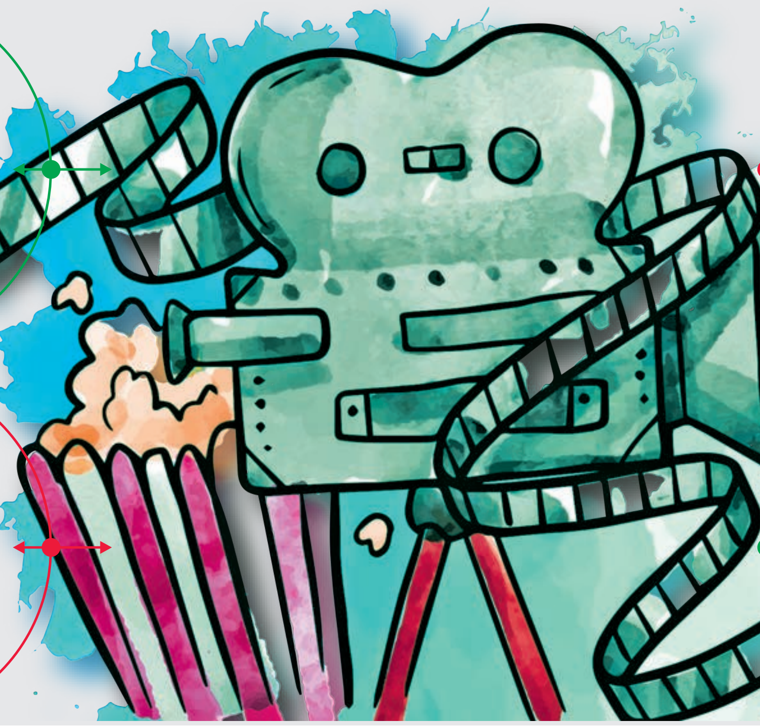

«بمب» به موشک‌باران رسید

۳

پیمان معادی که از اردیبهشت‌ماه امسال تولید جدیدترین ساخته خود را آغاز کرد، این روزها آخرین مراحل فیلم‌برداری را پشت سر می‌گذارد. روابط عمومی «بمب» اعلام کرده که پیمان معادی کارگردان این فیلم اکنون در حال ضبط سکانس‌های موشک‌باران است و با پایان یافتن این سکانس‌ها، فیلم‌برداری به پایان خواهد رسید. در «بمب» که مسئولیت فیلم‌برداری آن را محمود کلاری بر عهده دارد، پیمان معادی، لیلا حاتمی، حبیب رضایی، سیامک انصاری، سیامک صفری و... به ایفای نقش می‌پردازند و ارشیا عبداللهی، نیوشا جهانی و باران معادی هم به‌عنوان بازیگران کودک در این فیلم جلوی دوربین رفته‌اند. داستان فیلم «بمب» در زمان موشک‌باران تهران در سال ۱۳۶۶ روایت می‌شود و فیلم‌نامه آن را هم پیمان معادی به نگارش درآورده است. فیلم‌نامه «بمب» سه سال پیش جایزه بهترین فیلم‌نامه را از جشنواره آسیاپاسفیک دریافت کرده است.

۴

... ا یک روز تأخیر که
... که بخش‌هایی از
... نظریه» بازیگر
... حه اینستاگرام
... نوشت: «اسم
... ک نویسنده ...
... ش نظریه نبود و

نذر کبوتران

آینه‌های لطف تو تکثیر کردند
در چشمه دل اشک‌های بی‌صدا را
آقا کنار پنجره فولادت آخر
می‌گیرم از دست برات کربلا را

ای زائران اینجا دخیل غم ببندید
بر آستانش ندبه «آقا بیا» را
پایین پای تو غباری می‌سراید
شعر کرامات نگاه کیمیا را

یوسف رحیمی

نماهشت

طلوع و غروب/۲

تصاویری دیدنی از طلوع و غروب آفتاب در نقاط مختلف جهان

سیدمحمد ساداتاخوی

هی رفیق، خسته نشی!

سلام رفیق!... حواست به منه؟!... می‌گم... دیدی بعضی از آدم‌ها تا وارد حرم‌ها می‌شن، از همون دَم در، حواس‌شون پرته تا وقتی کَه برگردن؟!... بچه که بودم، با «مادر»م می‌رفتم به حرم... مادرم، از همون در «هتل» و توی خیابون، برام توضیح می‌داد که چی‌کار باید می‌کردم... یادم داده بود و قبل از رفتن به حرم، «وضو» می‌گرفتم... توی راه هم هی بهم تذکر می‌داد: «مادرجون!... قربونت برم... پسرم!... یه‌وقت تندتند راه نری، دم در که وایسادیم، دستت رو بذار روی سینه‌ت و سلام کن به آقا!... بعدش یه‌وقت کاشی‌ها حواست رو پرت نکنن... باید بریم تو برای زیارت... این کاشی‌ها، جای دیگه هم پیدا می‌شن... تشنه‌ت شد، مردم رو هل ندی بری جلو ها، به خودم بگو، نوبت‌مون شد، می‌ریم جلو و از سقاخونه آب می‌گیریم»... بعد هم که به ورودی حرم می‌رسیدیم، لباسم رو مرتب می‌کرد و می‌گفت: «مادرجون!... وقتی رفتیم تو، یادت نره که آقا ما رو می‌بینه... حتی اگه ما نبینیمش... یه وقت هرهِر و کِرکِر نکنی با بچه‌های دیگَه... جوری هم بشین که پشتت به ضریح نباشه، بی‌ادبیه»... وقتی هم که مطمئن می‌شد همهٔ حرف‌هاش رو شنیده بودم، خیالش راحت می‌شد و سلامی می‌داد و قطره‌های اشکش جاری می‌شدن... بعد هم تندی زیارت می‌کرد و می‌نشست یه گوشه و با من دربارهٔ حرم و امام‌رضا(ع) حرف می‌زد تا خسته نشم... می‌گم رفیق!... رفتی به حرم، یه‌وقت طولانی نشینی... همهٔ بزرگان گفته‌ن که زیارت باید کوتاه باشه و بقیه‌ش باید «توجه» باشه... یعنی حواس‌مون از امام‌رضا(ع) پرت نشه... بگردیم و زائرهای دیگه رو ببینیم... در حرم قدم بزنیم و با آقا درد دل کنیم... خدا رو به خاطر زیارت آقا شکر کنیم... و اگه شد، یه عکس دسته‌جمعی هم با رفقا بگیریم... شبیه همینی که ما سی سال پیش، با حاج‌حسین‌آقا شاکری (خادم حرم)، گرفتیم.... قربونت!... تا بعد، خدانگهدارت!

هدهد هشتایی‌ها

نامه‌ات همین الان رسید

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.

پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

شعرم را بخوان، نظرت را بگو

سلام. دوست خوبم. ممنون که شعرهایم را خواندی و نظرت را برایم فرستادی. باز هم شعر گفته‌ام و همان‌طور که از من خواسته بودی، برایت ارسال کردم. لطفاً نظرتان را درباره شعرم بنویسید.

به فنای عهد و پیمان
برهاند او کرم را
که به نیرنگ و به جادو
بشکافد او سرم را
و چه کین کنم از او که
برهاند او مضیقه
که فراق از نگاهش
بکُشد به یک دقیقه
برود به یک اشاره
و فلک به ظلمت فام
که رُخ چو آفتابش
نشود به لحظه‌ای رام
و فروغ آشنایش
بکُشد چراغ نوران
که فضایل نهانش
و گران‌تر از بلوران
دگر صواب حاجت
که عصاره عجایب
به دیار پرفروزش
بشکاند آن مصائب
به حصاران نیشابور
بسُراید عزِّ باران
به عواطف گران‌سنگ
بکشاند عشوه‌داران
خلل خصَال خُسرو
نَشناسَد آن گُهر را
تعب تحمل آن
بفراسَد آن جُهَر را
که خواص خسروان است
به ستیز سرتر خود
که شرارَتش شَکست است
و فنای برترِ خود

تو هم یک شاعری

پاسخ مرکز آفرینش‌های ادبی کانون خراسان رضوی:

من با غزلی قانعم و با غزلی شاد
تا باد ز دنیای شما، قسمتم این باد
«محمدعلی بهمنی»

دوست خوبم، آقا سیدمجتبی سلام! روزهای شاد و شاعرانه تابستان به خیر و خوشی! جواب نامه قبلی‌ات را ارسال کردم که همان‌روز شعر جدیدی از تو به دستم رسید. معلوم است که پشتکار داری. آفرین به شما. وزن و قافیه خوب دستت آمده است. این را از شعرت می‌توان فهمید. بگذار بخش اول نامه طبق معمول ادامه بحث شعر باشد. اگر یادت باشد در نامه قبل به فرق شعر و نظم اشاره کردم.

به‌قول استاد بهار
شعر آن باشد که خیزد از دل و جوشد ز لب
باز بر دل‌ها نشیند هرکجا گوشی شنفت
ای بسا شاعر که او در عمر خود شعری نساخت
وی بسا ناظم که او در عمر خود شعری نگفت

به‌قول ملک‌الشعرای بهار، شعر و نظم را تفاوت بسیار است (راستی دوست خوبم! همین دو بیت بهار نظم بود یا شعر؟!)

اما شاعر کیست؟ فکر کنم جواب این پرسش را راحت بدهی. شاعر کسی است که بتواند کلامی متفاوت از سخن عادی و رایج بیان کند و به شنونده‌اش، حس لذت همراه با کشف تازه داده باشد. شاعر برای این‌که بتواند متفاوت سخن بگوید، باید متفاوت ببیند. مثلاً سهراب سپهری در شعرش صدای «هوهوی باد» را گلبانگ اذان و خم و راست شدن علف‌ها را نماز خواندن و خروش موج را قیام نماز می‌داند. حتماً این شعر سهراب را شنیده‌ای:

«من نمازم را وقتی می‌خوانم
که اذانش را باد
گفته باشد سر گلدسته سرو
من نمازم را، پی تکبیره‌الاحرام علف می‌خوانم...
پی قد قامت موج...»
«هشت کتاب»

با این حساب، تو هم شاعری، چراکه زیبایی را به آفتاب دور از دسترسی تشبیه کرده‌ای که در اوج است:
«که رخ چو آفتابش، نشود به لحظه‌ای رام/ و فروغ آشنایش بکُشد چراغ نوران»

در مورد این‌که این‌جور دیدن تا کجا می‌تواند پیش برود، صحبت خواهیم کرد. فقط این را بدان که «آشنایی‌زدایی» هم قواعد خودش را می‌طلبد و لزوماً هرجور دیگر دیدنی به دردِ سرودن نمی‌خورد. این را ابتدای کار بگویم که کبوتر شعر دو بال دارد؛ یک بال، عاطفه و احساس است و بال دیگر اندیشه. این‌که اندوه «پیر دل‌شکسته» و «حسرت جوانی از دست رفته» در شعرهایت تأثیرگذار می‌شود، همه از عاطفه و احساسی است که در اشعارت به چشم می‌خورد که لازمه یک شعر خوب است. اما بال دیگر شعر «اندیشه» است. یعنی شعر باید حرفی برای گفتن داشته باشد. اصلاً دلیل ماندگاری شاعرانی چون فردوسی بزرگ، حافظ و مولوی و عطار عزیز در همین است. یعنی آن‌ها شاعرانی اندیشمند بوده‌اند. مثلاً با دیدن زیبایی گل و یا پرپر شدن آن، به زودگذری دنیا اشاره می‌کنند.

حالا آقا سیدمجتبی به شعرهایت برگردیم. واقعاً قابل تقدیر است که گستره وسیعی از کلمات را در ذهن داری. واج‌آرایی را می‌شناسی و تکرار حروف به زیبایی در شعر تو به چشم می‌خورد. «خلل خصال خسرو»، «تعبِ تحمل آن»، «ثمر صواب حاجت». استفاده از این کلمات درحالی‌که به وزن و قافیه خللی وارد نیامده، نشان از توانمندی شما دارد؛ نشان می‌دهد که به دیوان شعرای گذشته هم نظری انداخته‌ای و آن‌ها را هم مطالعه می‌کنی. وسعت دید و نگاه شما قابل ستایش است. خوب فهمیده‌ای که بدون تجربیات گذشتگان و مطالعه آثار آنان راه به جایی نمی‌توان بُرد. آقاسید! اشعارت در هر بیت شاید معنایی را بدهد، اما در کُل ابیات، معنای مشخصی را به ذهن نمی‌رساند. قدرت تو در استفاده از کلمات قابل تقدیر است و اگر همین حساسیت را در معنا و مفهوم و انتقال آن هم داشته باشی، دیگر شکر اندر شکر می‌شود. نکته دیگر قالب شعری است. تو در قالب چهارپاره شعر سروده‌ای، ولی رعایت مشخصات زبانی آن را نکرده‌ای. قالب چهارپاره معانی ساده‌تر و صمیمی‌تری را در خود می‌گنجاند. کتاب «برگزیده شعرهای سعدی» از مجموعه «گلی از باغ کهن» انتشارات کانون پرورش فکری را برایت می‌فرستم. شعر بخوان و بنویس و حفظ کن. این شاه‌کلید هیچ‌وقت قدیمی نمی‌شود. موفق باشی.

دوست تو در مرکز آفرینش‌های ادبی

هشتگو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف های خوشمزه زدن است.

یا باید بری مدرسه، یا باید بری دانشگاه، یا باید بری سربازی، یا باید بری سرِ کار.
کلا باید بری، نمی‌شه یه‌دقیقه بشینی.
#تنبل‌خان

تخمه خوردن اولش از روی لذته...
از یه‌جایی به‌بعد انگار می‌شه وظیفه
باید تمومش کنی.
#خپل‌خان

دلخورم...
البته جیگر و قلوه هم اگه باشه می‌خورم...
فکر کردی ناراحتم؟
نه بابا! من کلا آدم شادی‌ام...!
#خوشمزه‌خان

یه‌سری استاد گفت: ۵تا سؤال انتخابی از خودتون بیارید سر امتحان که دیگه
نگران پاس‌شدن درستون نباشید.
من حتی اونم افتادم.
#تنبل‌خان

هر چندوقت یک‌بار چک کنید
ببینید شبیه اونایی که ازشون بدتون میاد، نشده باشین...
#استاد بزرگ

زنگ زدم به استاد زبانمون، گفتم: اکسکیوزمی پروفوسور!
امتحان تومارو در چه لِولیه؟
برگشته می‌گه: این ترم که انداختمت،
خوب آندرستند می‌شی.
#خوشمزه‌خان

این دستگاه فشارخون مچیا از یخچالم برای خونه واجب‌تره
می‌شه باهاشون چند ساعت مهمونارو سرگرم کرد و نه میوه بهشون داد و نه
شیرینی.
حتی می‌شه شام هم نداد بهشون، به بهونه فشار بالا.
#خسیس‌خان

اگه شارژ گوشیت داره تموم می‌شه، گوشیتو بزن شارژ!
امتحان کنین، منم اول باورم نمی‌شد!
#خوشمزه‌خان

https://telegram.me/khosroanjom_majid